



کد خبر: ۱۱۳۰۶۳

سه شنبه ۶ فروردین ۱۳۹۸ ۱۰:۲۲

مؤسسه کسب و کار سوئد منتشر کرد:

## اگر بحران رخ دهد

مؤسسه کسب و کار سوئد با تقاضاهای فراوان برای تحلیل سناریوهای ژئوپلیتیکی و پیامدهای آنها برای شرکت‌های سوئدی و فعالیتهای کسب و کار آنها مواجه است. دلیل این هم، نااطمینانی گسترده‌ای است که درباره آینده جهان احساس می‌شود و اینکه توسعه مثبت جهانی به واسطه تغییر در چشم‌انداز سیاسی ایالات متحده، اروپای غیرمتحد و پیشرفت چین و روسیه، مورد تهدید قرار گرفته است. مؤسسه کسب و کار سوئد قراردادی را با آژانس تحقیقات دفاعی سوئد برای ارائه سه سناریوی ژئوپلیتیکی منعقد کرده که هر کدام، پیامدهای بالقوه سیاسی یا نظامی رویدادهایی را توصیف می‌کنند که ریشه در منازعات ملی یا منطقه‌ای دارند.

در گزارش اگر بحران رخ دهد: اثر منازعات بین‌المللی بر کسب و کارهای سوئد، مؤسسه کسب و کار سوئد ( ) سه سناریوی ژئوپلیتیکی بالقوه را طرح کرده و اثرات اقتصادی و پیامدهای آنها را برای شرکت‌های سوئدی مطرح می‌کند.

تمام سناریوها در سال ۲۰۱۸ مطرح می‌شوند. برای ساده‌سازی تحلیل، مؤسسه کسب و کار سوئد این فرض را اختیار کرده که اثر اقتصادی مستقیم خواهد بود. بنابراین اثر بر روی تولید ناخالص داخلی منطقه‌ای و جهانی به صورت پیش‌بینی برای سال ۲۰۱۸ ارائه شده است.

سناریو ۱: منازعات منطقه خاکستری در نزدیکی سوئد

این سناریو مبتنی بر آرزوی روسیه برای اعاده نقش سنتی خود به عنوان ابرقدرت و گسترش نفوذ خود در دریای بالتیک و مناطق مجاور است. پس‌زمینه این سناریو، ناتوانی سیاسی اتحادیه اروپا برای پاسخ به چالش‌های مسکو و کم‌رنگ شدن نقش آمریکا در ناتو و دفاع از اروپا در برابر تجاوزات روسیه است.

زمانی که مانور نظامی روسیه در بلاروس تبدیل به یک تهاجم تمام عیار می‌شود، نیروهای اشغالگر با هیچ مقاومتی روبرو نمی‌شوند. اما این تهاجم و الحاقات متعاقب آن، اختلاف عمیقی بین اروپا و روسیه ایجاد کرده و موجب تقویت نظامی در منطقه دریای بالتیک می‌گردد.

اثر اقتصادی جهانی این سناریو، محدود است. جامعه بین‌الملل به واسطه اعمال گذشته روسیه در گرجستان و اوکراین، انتظارات زیادی از این کشور ندارد. این منازعه به روسیه ضربه مهلک‌تری وارد می‌کند که عمدتاً به دلیل افزایش قیمت‌های نفت و تضعیف روبل است. اما اروپا هم مستثنی نیست: رشد اقتصادی این قاره یک واحد درصد نسبت به

سناریوی مبنا کاهش می‌یابد.

این سناریو پیامدهای منفی جدی برای شرکت‌های سوئدی دارد که در روسیه و بخش‌هایی از مرکز و شرق اروپا فعالیت می‌کنند، به گونه‌ای که کاهش شدید در تقاضا، آنها را مجبور به کاهش فعالیت‌های کسب و کار می‌کند.

سناریو ۲: جنگ سرد و چندپارگی در خاورمیانه

این سناریو متکی بر بازگشت مجدد جنگ هزار ساله خاورمیانه از طریق مقابله بین فرقه‌های شیعه و سنی است. جهادگران رژیم در حال سقوط دولت اسلامی در بخش‌هایی از سوریه و عراق که حملات تروریستی را در شمال آفریقا و مدیترانه آغاز می‌کنند، بی‌ثباتی منطقه‌ای را تشدید کرده و باعث خروج پناهنجویان به سمت اروپا می‌گردند.

تنش بین هم‌اوردان اصلی این سناریو دولت سنی عربستان سعودی و دولت شیعی ایران - افزایش می‌یابد زیرا هر دو طرف برای تسلط سیاسی، اقتصادی و دینی در منطقه تلاش می‌کنند. نفوذ ایران در بحبوحه جنگ‌های داخلی در سوریه و یمن و رابطه نزدیک‌تر بین تهران و دولت شیعه عراق، در حال افزایش است. توافق بین‌المللی سال ۲۰۱۶ در مورد برنامه هسته‌ای ایران، امکان از سرگیری صادرات نفت و آغاز بازسازی اقتصاد را برای این کشور فراهم کرده است. در این بین، موضع مخالف دولت ترامپ در مورد ایران، اندکی به رهایی عربستان از پریشانی کمک می‌کند.

ماشه آغاز بحران، تغییر رژیم در بحرین، یک کشور جزیره‌ای سنی در خلیج فارس با یک میلیون نفر سکنه و اکثریت شیعه است. این ضربه که باعث ترس عربستان سعودی و سایر دولت‌های سنی همسایه می‌شود، ترس از بهار عربی جدید و تقاضا برای اصلاحات دموکراتیک و حقوق مدنی را منعکس می‌کند. ناآرامی‌ها در بحرین فروکش می‌کند اما تنش‌ها به واسطه پشتیبانی عربستان سعودی از استقلال کردها در عراق که با واکنش شدید از ناحیه ترکیه هم همراه است، گسترش می‌یابد.

همانند دو سناریوی اول، اثر اقتصادی محدود به منطقه مورد منازعه است: خاورمیانه و شمال آفریقا. بدتر شدن اوضاع امنیتی و سقوط تقاضا، شرکت‌های سوئدی را مجبور به کاهش فعالیت‌های خود در این منطقه می‌کند.

سناریو ۳: منازعه ابرقدرت‌ها: ایالات متحده و چین

این سناریو، دورنمای یک جهان چند قطبی نوظهور طرح می‌کند که در آن، قدرت‌های منطقه‌ای با بلندپروازی‌ها و نفوذ در حالا رشد، هژمونی اقتصادی و نظامی ایالات متحده را به چالش می‌کشند. ایالات متحده و چین از گذشته برای قدرت در آسیا-اقیانوسیه از طریق حضور اقتصادی و نظامی با هم رقابت داشته‌اند. زمانی که دولت ترامپ با ادعای تعریفی محدود از منافع ملی، به رهبری ایالات متحده بر نظم غالب جهانی پشت پا می‌زند، مسیر برای چین هموار می‌شود که

نقش منطقه‌ای و جهانی گسترده‌تری را ایفا نماید. ناآرامی و عصبانیت در میان هم‌پیمانان آسیایی آمریکا که خود را مجبور به مدیریت روابط با چین، بدون حمایت از ناحیه واشنگتن می‌بینند، افزایش می‌یابد.

در ژوئن ۲۰۱۸ پس از شکایات متعدد در مورد صدمات اقتصادی که چین از طریق دستکاری نرخ ارز به ایالات متحده وارد می‌کند، آمریکا تعرفه‌های تنبیهی را در مورد کالاهای چینی وضع می‌نماید. ایالات متحده همچنین ناراضی‌تانی خود از روابط نزدیک هم‌پیمانان خود با چین را هم نشان می‌دهد. زدن ناوشکن فیلیپین توسط کشتی چینی در دریای چین شمالی نزدیک به جزایر مورد اختلاف اسپراتلی [۱]، احساسات در ژاپن را به غلیان می‌اندازد، زیرا این کشور از زنجیرهٔ رویدادهای مشابه حول جزایر دیائویو/سنکاکو [۲] (که توسط دولت ژاپن اداره می‌شوند اما مورد ادعای چین هستند) واهمه دارد. ایالات متحده و چین حضور محلی نیروی دریایی یکدیگر را تقویت می‌کنند. درست هنگامی که به نظر می‌رسد، ایالات متحده جزایر اسپراتلی را محاصره خواهد کرد، حرکتی که قطعاً از دید چین به منزلهٔ اقدام جنگی قلمداد می‌شود، ایالات متحده دستخوش حملات سایبری سنگین می‌شود که تأسیسات مهم نظامی و غیرنظامی آن را از کار می‌اندازد.

برای دریافت و مطالعه متن کامل این گزارش از لینک دانلود زیر استفاده کنید.

لازم است ذکر شود مرکز بررسی‌های استراتژیک با هدف توجه دادن کارشناسان و تحلیل‌گران کشور، و همچنین جهت اطلاع‌یابی مدیرانی که در معرض مسائل و تصمیم‌گیری‌های راهبردی هستند، نسبت به ترجمه و بنا به مورد انتشار محدود یا عمومی مجموعه‌ای از متون راهبردی اقدام می‌کند.

[۱]

/ [۲]